



ویژه‌نامه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
ضمیمه روزنامه «جوان»
شماره اول، ۱۲ادی ۱۳۹۸
AmmarFilm.ir

فراتر از یک جشنواره

صفحه ۱

فضا را با «رسانه» به نفع عدالت جلو می‌بریم

گپ‌وگفت با رسول احمدزاده، قاضی دهه هفتادی و تقدیر کننده ویژه برگزیده «دستکش ننه عصمت» در دهمین جشنواره عمار

صفحه ۲

«جوان آرمان گرا؛ بن بست شکن و تحول آفرین»

صفحه ۳

ژورنالیست آوانگارد مقایسه‌ای میان «جهاد سازندگی» و «خبرنگاری تحقیقی»

صفحه ۳

جلو تر از سینما داوران بخش مسابقه افتتاحیه جشنواره عمار از آثار این دوره می‌گویند

صفحه ۴



یادداشت جواداردکانی*

نمونه‌ای از اصالت در ساختار

از طریق نفوذ دادن «ساختارهای مطلوب» در حوزه‌های مختلف حاصل شده است. و اینک، پس از گذشت بیش از ۴۰سال از پیروزی انقلاب، بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی انقلاب از ناحیه برخی ساختارهای عاریتی رقم می‌خورد که نمونه واضح آن را در صداوسیما، سینما و نیز نظام آموزشی کشور می‌توان مشاهده کرد. ساختارهایی که یا به جامانده از دوران پهلوی است یا شاهکار مدیران غرب‌زده‌ای است که تصور می‌کنند، مطمئن‌ترین راه؛ استفاده از ساختارهای تعریف شده و استاندارد جهانی است. یا مدیران مرعوب و خوش‌خیالی که گمان می‌کنند می‌شود هر قابلی را به عاریه گرفت وبعد، محتوای مطلوب خود را در آن ریخت و این است حال‌واحوال ما.

«جشنواره عمار»، بزرگ‌ترین کار را در مرحله طراحی ساختار خود برداشت. مدیرانی پیدا شدند که خواستند بر مبنای اهداف مشخصی که دارند و شرایط و بستر موجود، ساختاری را تعریف کنند که بتواند آنها را به هدف برساند.

ساختاری که اصرار نداشتند شبیه ساختار متداول و مثلاًاستاندارد برپایی جشنواره‌های هنری باشد. آنها در اولویت‌بندی موضوعات موردنظر، نوع مخاطب، نوع عرضه آثار به مخاطب، طیف هنرمندانی که باید مورد حمایت قرار گیرند و بسیاری انتخاب‌های مهم دیگر شجاعانه و مستقل عمل کردند و حاصل آن شد جشنواره‌ای با یک ساختار اصیل. شاید مزیت مهم جشنواره عمار بر بسیاری جشنواره‌های ریز و درشت فرهنگی هنری و نیز راز موفقیت این حرکت بزرگ مردمی همین باشد: «اصالت در ساختار.»

✽ کارگردان و نویسنده سینما و تلویزیون



برداشت. مدیرانی پیدا شدند که خواستند بر مبنای اهداف مشخصی که دارند و شرایط و بستر موجود، ساختاری را تعریف کنند که بتواند آنها را به هدف برساند.

ساختاری که اصرار نداشتند شبیه ساختار متداول و مثلاًاستاندارد برپایی جشنواره‌های هنری باشد. آنها در اولویت‌بندی موضوعات موردنظر، نوع مخاطب، نوع عرضه آثار به مخاطب، طیف هنرمندانی که باید مورد حمایت قرار گیرند و بسیاری انتخاب‌های مهم دیگر شجاعانه و مستقل عمل کردند و حاصل آن شد جشنواره‌ای با یک ساختار اصیل. شاید مزیت مهم جشنواره عمار بر بسیاری جشنواره‌های ریز و درشت فرهنگی هنری و نیز راز موفقیت این حرکت بزرگ مردمی همین باشد: «اصالت در ساختار.»

✽ کارگردان و نویسنده سینما و تلویزیون

از طریق نفوذ دادن «ساختارهای مطلوب» در حوزه‌های مختلف حاصل شده است.

و اینک، پس از گذشت بیش از ۴۰سال از پیروزی انقلاب، بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی انقلاب از ناحیه برخی ساختارهای عاریتی رقم می‌خورد که نمونه واضح آن را در صداوسیما، سینما و نیز نظام آموزشی کشور می‌توان مشاهده کرد. ساختارهایی که یا به جامانده از دوران پهلوی است یا شاهکار مدیران غرب‌زده‌ای است که تصور می‌کنند، مطمئن‌ترین راه؛ استفاده از ساختارهای تعریف شده و استاندارد جهانی است. یا مدیران مرعوب و خوش‌خیالی که گمان می‌کنند می‌شود هر قابلی را به عاریه گرفت وبعد، محتوای مطلوب خود را در آن ریخت و این است حال‌واحوال ما.

«جشنواره عمار»، بزرگ‌ترین کار را در مرحله طراحی ساختار خود

فراتر از یک جشنواره

یادداشت بیژن نویاوه*

تغییراتی به کار خود ادامه داد و به محلی برای تاخت‌وتازهای سیاسی در دولت‌های مختلف و پیاده‌سازی تئوری‌های غربی در ایران تبدیل شد، فضای رسانه و جشنواره‌ای حاکم بر کشور در این سال‌ها، فیلم‌هایی را مورد توجه و تقدیر قرار می‌داد که متأسفانه آن‌گونه که باید و شاید به‌راستا با اهداف و آرمان‌های انقلاب ۵۷ نبود و پیچهمسلمان‌هایی هم که وارد این عرصه می‌شدند یا تحویل گرفته نمی‌شدند یا سرخورده کنار می‌کشیدند.



اما در جشنواره عمار این مستندها دیده می‌شوند و با توده مردم ارتباط برقرار می‌کنند.

رشد کمی و کیفی آثار راه‌یافته به جشنواره عمار نشان می‌دهد که این جشنواره در جریان‌سازی موفق عمل کرده است، اما این که ادعا کنیم همه کاری را که می‌بایست، کرده است، نه! این‌طور نیست.

یکی از مسائل محوری «عمار»، باید آموزش باشد و در این زمینه‌از هنرمندان موفق در عرصه‌های مختلف باید استفاده شود. «عمار» باید بتواند یک جریان آموزشی دائمی ایجاد کند و در طول سال به فیلم‌سازان در جنبه‌های مختلف از سخت افزار و نرم افزار گرفته تا بودجه، امکانات و حتی ارتباطات کمک کند. اگر این جریان شکل بگیرد، از حالت تکراری یک جشنواره در هر سال، خارج می‌شود، یعنی «عمار»، خودش را بزرگ‌تر از یک جشنواره ببیند، یک جریان فیلم‌سازی که می‌تواند در همه حوزه‌ها کمک کار فیلم‌ساز باشد.

ضمانت حضور و ماندگاری جشنواره عمار، در نوگرایی است، این جشنواره، همیشه باید حرف نو داشته باشد. نوگرایی در موضوعات و نگاهش و این مسئله، خیلی مهم است که عمار هر سال چه موضوعاتی را برای مانور انتخاب می‌کند. همین نوگرایی سبب شده تا این جشنواره تا به الان، در هر دوره، تازگی و ویژگی خاصی خود را داشته باشد.

✽نایب رئیس اسبق کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی



آمدیم تا نظاره‌گر نباشیم

میلاد کودرزی، برگزیده جایزه ویژه «دستکش ننه عصمت» دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار از دغدغه‌های بزرگی می‌گوید که دیر نیست بسیاری از آنها رنگ واقعیت بگیرند

صفحه ۲

برگزیدگان شش بخش دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، معرفی و تقدیر شدند

فانوس دهمین جشنواره عمار روشن شد

همچنین هیئت داوران در بخش «برنامه تلویزیونی»، ضمن تقدیر از اثر «میدون» به تهیه‌کنندگی «سیدمحمدحسین هاشمی گلپایگانی»، لوح افتخار این بخش را به‌علت «پژوهش قوی و مناسب، فرم متناسب در مستندهای تاریخی، استفاده مناسب از آرشیو، گفت‌وگوی چالشی و دگور مناسب» به اثر «سرچشمه» به تهیه‌کنندگی «امیرعلی آزادی» و همچنین فانوس جشنواره را به‌خاطر «نوآوری در ساختار، پرداختن به موضوع روز، خط‌شکنی و شجاعت، کلیشه‌شکنی صحبت با مسئولان، مزیت اجرای مناسب» به اثر «مدیرمسئول» به تهیه‌کنندگی «سیدمحمدعلی صدیقی‌نیا» اهدا کرد.

در بخش «تلویزیونی اینترنتی» نیز داوران، ضمن تقدیر از اثر «آزمایش» به کارگردانی «علی سبحانی»، لوح افتخار این بخش را به‌علت «نوآوری و کلیشه‌شکنی در گزارش‌های مردمی، اثرگذاری و جریان‌سازی در سایر تولیدات رسانه‌ای» به اثر «همجموعه کبریت» به کارگردانی «علی شیرزادیان» تقدیم کرد.

«مجموعه شهرداد» به کارگردانی آقای «میلاد کودرزی» نیز به‌دلیل «مطایبه‌گری و عدالت‌خواهی، پژوهش و تحقیق و ایجاد جریان پرش‌گری در کشور» فانوس جشنواره را کسب کرد.

هیئت داوران جشنواره در بخش «گزارش خبری»، لوح افتخار این بخش را به سبب «سوژه مردمی، قهرمان ملی و نقش زنان» به اثر «ننه‌گلی» به‌کارگردانی «خام‌فروشی رئیس جعفری مطلق» و «تجارت مرگ» به کارگردانی «زهره بیادی» به‌علت «جسارت و پیگیری، شهرستانی بودن، دغدغه‌مندی و توجه به محیط‌زیست و مسائل مردم» اهدا کرد. فانوس این بخش را هم اثر «خام‌فروشی سنگ در چین» به کارگردانی «سعید پرویزی» به‌علت «تمرکز زبانی، پژوهش مناسب، شجاعت و پیگیری خبرنگار دشواری لوکیشن و تولید» از آن خود کرد.

همچنین لوح افتخار جشنواره در بخش «آیتم تلویزیونی، کلیپ و موشن‌گرافیک»، به اثر «بر فراز دانش» به کارگردانی «کریم مهرآبادی» به‌دلیل «امیدآفرینی و توجه به کودکانو جوان» و اثر «یمن» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی به‌علت «دشواری تولید در منطقه محاصره شده یمن، تأثیرگذاری و کمک به شکست محاصره رسانه‌ای یمن» اهدا شد.

هیئت داوران، در بخش «فیلم ما»، لوح افتخار جشنواره را به‌دلیل «جذابیت برای مخاطب عام و طنز مناسب، توجه یک معلم به مسائل پیرامون خود، تولید یک اثر جذاب با امکانات ساده» به اثر «تورو خدا به من رأی بدهید» به کارگردانی «رضارادپور» و همچنین اثر «به‌خاطر خدا» به کارگردانی آقای «حانیه محمدضایی بیدگلی» به‌علت «پرداخت به مقوله عفاف و حجاب و تولید اثر اقتباسی از کتاب لیلالونا» اهدا کرد.

فانوس این بخش نیز به‌علت «برخورداری از پژوهش خوب و قوی، سوژه خوب و آسیب‌شناسی جسورانه یک موضوع مهم» به اثر «آموزش کالایی» به کارگردانی «معین کاج» و «قطره قطره اشک» به کارگردانی «حسین قاسم‌زاده» به‌دلیل «نزدیک بودن به رویکرد جشنواره، توجه به موضوع مهم رونق تولید و استفاده مناسب از قابلیت‌های انیمیشن» تقدیم شد.

نیم‌جاویدی» به نویسدگی «امید بی‌نیاز» تعلق گرفت.

در بخش مسابقه «فیلم‌نامه»، داوران، در «فیلم‌نامه مستند»، لوح افتخار جشنواره را به سبب «توجه به پیشرفت‌های علمی و با رویکرد رؤیای ایرانی» به اثر «ده به توان منفی نه» به نویسدگی «حمیدرضا رنجبرزاده و بابک رحیم» تقدیم کرد.

در قسمت «طرح و سیناپس» هم اثر «تجدید وضو» به نویسدگی «وحید مهدی‌زاده» به‌دلیل «پرداخت طنز به موضوع و استحکام ساختار» لوح افتخار دهمین جشنواره عمار را کسب کرد.

هیئت داوران در «فیلم‌نامه کوتاه» نیز لوح افتخار جشنواره را به‌علت «ساختار محکم و نگاه آرمان‌گرایانه» به اثر «قلب» به نویسدگی «احمد حیدریان» و لوح تقدیر این دوره را نیز به فیلم‌نامه «میادله» به نویسدگی «محمد پایدار» به‌علت «پرداخت حماسی به خانواده مدافعان حرم» اهدا کرد.

فانوس این بخش را «ماهی‌ها هم غرق می‌شوند» به نویسدگی «مریم مقانی» به‌دلیل «ساختار محکم و استاندارد حاقله‌ملی» دریافت کرد.

در افتتاحیه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار برگزیدگان شش بخش «تماهنگ»، «پویانمایی»، «برنامه تلویزیونی»، «فیلم‌نامه»، «فیلم ما» و «نقد، مقاله و پژوهش‌های سینمایی» معرفی و تقدیر شدند. بنابرین گزارش، در جریان مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم عمار که در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد، در بخش «تماهنگ»، هیئت داوران جشنواره، لوح افتخار این بخش را به‌علت «خلاقیت در حوزه موسیقی نوجوان و استفاده از فرم انیمیشن در تولید رونق» به اثر «میریم بالاتر» به کارگردانی «صادق لطفی‌زاده و مجید رستگار» و «دختر آسمان» به کارگردانی «داوود احمدی» به‌دلیل «پرداخت به حوزه سبک زندگی» اهدا کرد.

فانوس این بخش نیز به‌خاطر «نوآوری در حوزه موسیقی و نماهنگ طنز و پرداخت به موضوع فساد اقتصادی» به اثر «بیا پایین» به کارگردانی «احمد ذوالفقاری» و «خوشا به حالت‌ای روستایی» به کارگردانی «اسماعیل معنوی» به‌علت «توجه به اقلیم‌های ایرانی و اصالت دادن به سبک زندگی روستایی» تعلق گرفت.

داوران در بخش «پویانمایی بلند»، ضمن تقدیر از اثر «قصه بهمن» به کارگردانی «محمودرضا سلطان‌پور»، لوح افتخار این بخش را به‌خاطر «خط‌شکنی و مسئله ایران آینده» به اثر «فرمان‌وای آب» به کارگردانی «مجید اسماعیلی» اهدا کرد. اثر «بنیامین» به کارگردانی «محسن عنایتی» نیز به‌علت «نگاه نو به مسئله منجی در قالب یک اثر سینمایی فانتزی» فانوس جشنواره را از آن خود کرد.

در «پویانمایی کوتاه»، داوران، ضمن تقدیر از اثر «سلام» به کارگردانی «عباس عباسی وزین» و اثر «سقا» به کارگردانی «سید محمود صدیقی»، لوح افتخار دهمین جشنواره عمار را به‌علت «تکنیک ریبا، خلاقانه و نگاه بی‌پرده به مسئله همبستگی ملی» به «جهاد همبستگی ملی» به کارگردانی «صادق شهرزادپویی و سیداحمد موسویان» و اثر «سنگ‌های سپید» به کارگردانی «فاطمه حسنی» تقدیم کرد. اثر «راز پیرجامه بابا» هم به کارگردانی «حسین جمشیدی و علی تقوایی» به‌خاطر «نگاه نو و جسورانه به مسئله حجاب» فانوس این بخش را دریافت کرد.

همچنین هیئت داوران جشنواره، در قسمت «پویانمایی کودک» ضمن تقدیر از اثر «روحشاه» به کارگردانی «مهدی جهانگیری مشرف»، اثر «دره سفید» به کارگردانی «سعید گایینی» را به‌علت «داستان کودکانه و طراحی فانتزی» شایسته دریافت لوح افتخار جشنواره معرفی کرد. در بخش مقاله و پژوهش سینمایی»، داوران، ضمن تقدیر از اثر «نسنان در فیلم‌های مستند دفاع مقدس» به نویسدگی «محمد شهبازی» و «بررسی پیش‌فرض‌ها برای رسیدن به فیلم‌نامه دینی» به نویسدگی «مرتضی راوش» اثر «گفت‌مان‌سازی صداوسیما در بالکان» به نویسدگی «محسن سوهانی» را شایسته دریافت لوح افتخار و اثر «سیاستگذاری برای شبکه‌های استانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به‌منظور افزایش عدالت رسانه‌ای بر مبنای ادراک مخاطبان محلی: مطالعه موردی شبکه استان کرمان» به نویسدگی آقای «ایمان مرادکپوری» را شایسته کسب فانوس دهمین جشنواره عمار اعلام کرد.

در قسمت «نقد و یادداشت سینمایی» نیز لوح افتخار این بخش به اثر «نقدی به نظر به‌های سینما در بررسی فیلم سرخپوست ساخته



گفت‌و گوِ «فانوس» با میلاد گودرزی؛ به بهانه تقدیر ویژه دهمین جشنواره عمار از او؛

آمدیم تا نظاره‌گر نباشیم

گرمای «دستکش ننه عصمت» بر دستان جوان عدالت‌خواه

«آوات»، «شهرداد»، «آرمانگرام» و «شهر آرا»، عنوان بر نامه‌ها و ویدیوهای تولیدی او و گروهش است که با نگاهی جسورانه، موج جدید عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد را به منصفه‌ظهور رساندند. میلاد گسودرزی، جوان نسل سومی که همه او را به شجاعت و صراحت می‌شناسند؛ شجاعت در عمل و صراحت در گفتار. چند سالی هست که یکی از پرچمداران مبارزه با فساد شده، کسی که با دغدغه‌های بزرگ آمده تا

؟ نخستین سؤال را می‌خواستم درباره فعالیت‌های چند سال اخیر تان بپرسم که با چه انگیزه‌ای آغاز شد؟

انگیزه‌مان «شورش در شهر» بود، یک جورهایی یکی از ایده‌هایی که با رفاقا به آن رسیدیم، استفاده از قدرت رسانه و افکار عمومی برای حل مسئله‌هایی نظیر شفافیت و عدالت بود. می‌خواستیم رسانه را یک سطح بالاتر از آن کار کردی که در باور سنتی وجود دارد، ببریم. باز تاب‌کننده بودن یک خبر، دیگر کافی نبود، باید به دل ماجرا می‌رفتیم و پیگیری می‌کردیم تا یک چالش، یک اتفاق نامطلوب را

تبدیل به یک حل مسئله مطلوب شود و جلوی افتادن اتفاقی را که از منظرمان غلط بود، می‌گرفتیم. یعنی اگر در «دهونک» اتفاقی می‌افتد یا اگر در «لواسان»، ساخت‌وساز و خلافی اتفاق می‌افتد یا به محیط زیست تجاوز می‌شود، رسالت ما این نبود که تنها یک خبر بزنیم، بلکه قرارمان این بود که به دل ماجرا برویم و جلوی آن کار را بگیریم، ما آمدیم تا نظاره‌گر نباشیم بلکه اقدام کنیم.

؟ موج عدالت‌خواهی که دنبالش بودید، شکل گرفته است؟

کمک کند به انقلابی که نسل اولی‌هایی از جنس خودش علمش را برداشتند. دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار که عصر روز گذشته، کارش را شروع کرد؛ در افتتاحیه خودش، جایزه ویژه «دستکش ننه عصمت» را در تجلیل از عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری روبه جلو به میلاد گودرزی اهدا کرد تا گرمایی بر دستان‌اش دهد تا دوربین در دستش نلزد و همچنان با شجاعت و صراحت در مسیر تحقق عدالت و گام دوم انقلاب ادامه دهد.

خبر نگاران و فعالان فضای مجازی در شهرهای مختلف، دیگر به خبر زدن و فضای سنتی خبر، اکتفا نمی‌کنند، به‌دنبال این هستند که سطح‌شان را به همین دوربین و قلم بالا ببرند و دنبال مدل اجرایی آن هستند. فکر می‌کنم این سؤال در ذهن‌ها ایجاد شده که آقا چی می‌گویید. یعنی در شهر خودمان هم شدنی است که با دوربین به‌دست گرفتن جلوی زمین‌خواری را بگیریم. یک‌سری‌ها پای کار آمده‌اند و اتفاق‌هایی هم افتاده است. ولی این که بگوییم به آن نقطه مطلوب رسیدهایم خبر، چرا که ساختارهای ما مستعد این فضا نیست.

او هنگام طرح بحث لزوم استعفاى دولت نشان می‌دهد.

زوج هم‌داستان
شاگردی مکتب «حسین‌بن‌علی»، چنان آتشی در دل او به پا کرده است که به هنگام تکامل یافتن نیمی از دین خود، را به همسرش می‌گوید: «با شعلم مشکلی نداری؟ ممکنه چالش و دردرس و اذیت داشته باشه!» و در پاسخ می‌شوند: «متلاچی؟ مثل این خبر که گودرزی به شش ماه حبس و ۷۴ضربه شلاق محکوم شد؟ همین؟» حقیر انگاشتن این‌گونه سنگ‌های راه طولانی مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، جوان مرد‌دستان ما را وای دارد تا قدمی پیش‌تر رفته و بگوید: «بعضاً تهدید مستقیم هم می‌کنند!» شاید خیلی‌ها نوب دلشان باین‌گونه سخنان آن هم‌در‌اول‌زندگی مشترک خالی شود؛ اما پاسخ همسر گودرزی بوی همدلستانی و همسرنوشتی این زوج را به منام رسانده جایی که این بانوی صبر پاسخ می‌دهد: «بخود کرده‌اند! هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند! تو با خیال راحت ادامه بده، از این به بعد من خودم هم در کنار تو خواهم بود.» مکالمه‌ای که به نقل از صفحه اینستاگرامی جوان مرد صادق و بی‌پیرایه داستان ما نقل شد؛ جلوه‌ایست از یک نظر‌گاه عمیق به شیوه زندگی، یک زندگی که همه چیز آن بر اساس «مبارزه با طواغیت داخلی و خارجی» و در یک کلمه «جهاد کبیر» تنظیم می‌شود.

پیش‌شاز نوآوری در قالب‌های رسانه‌ای
به‌نظر می‌آید که «آقامیلاد» از آن‌هایی باشد که روزوشیشان به هم دوخته شده است. کافی است نظری به صفحه اینستاگرامی او ببینازید؛ تا خیلی چیزها دستگیر تان شود. از ۸۲هزار دنبال‌کننده‌ای که شاید خود شما هم یکی از آنها باشید؛ تا لحظاتی از حضورش بر برنامه‌های «جهان‌آرای شبکه افق» و «تربیا» و همچنین رونمایی از مستند «میدی»؛ را می‌توان از نظر گذراند؛ دور از ذهن نیست که بگوییم در کم‌تر نقطه‌ای از عرصه‌های رشد و نوآوری «جریان عدالت‌خواهی» جای گودرزی خالی بوده است. حضور پر رنگ و سفرهای متعدد او برای ارائه دیدگاه‌هایش در قالب مجموعه کارگاه‌های «شهر؛ رسانه مسئله‌محور» به عنوان محلی برای بازتولید گفت‌مان عدالت‌خواهی و راه‌وچاه نشان دادن به «سربازان تازه‌نفس عدالت» اثر چشم‌گیری بر نوع کنش‌نگری مخاطبانش داشته است. او پیگیری سوزه‌های نابى است که با وجود مسئله بودن برای مردم، خط قرمز بسیاری از رسانه‌های رسمی کشور هستند. او و همفکرانش بر این باورند که می‌توان با گذر از کلیشه‌ها و خطر فرم‌های پوشالی برخی رسانه‌ها، در فضای غیر رسمی تر خط، مخاطب ساخت؛ مخاطبانی که امثال بخش بزرگی از سازمان صداوسیما، ام مدت‌هاست از دست داده‌اند. «آوات» و

یعنی قوانین حمایتی که باید آدم‌های فعال و دغدغه‌مند این چنینی وجود داشته باشد یا آن فرهنگی که در مسئولان برای مواجهه با این نوع پرداخت رسانه‌ای و کنش‌گری اجتماعی باید باشد، هنوز وجود ندارد، تا آن نقطه مطلوب فاصله‌هایی وجود دارد، اما به‌نوعی بذرش کاشته شده است.

؟ درباره کارهایی که تا حالا کرده‌اید، برا ايمان بگوئيد؟

در پیش‌تولید کارهایمان، به شوخی به بچه‌ها می‌گویم هر چه‌قدر ما را در عرصه بیرونی، تندرو و رادیکال می‌بینند، در پشت‌صحنه کار، حالت بسیار محافظ کارانه‌ای داریم. روی پرونده‌ها که تحقیق می‌کنیم، تا یک موضوع از چند جهت اثبات نشود، مستندات مان کامل نشود و به یقین نرسیم که حرفمان درست است، رسانه‌ایش نکنیم. به‌خاطر همین وسواس، تا اینجاى کار، در صد سوتی، اشتباه و تهمت در کارمان تقریباً به صفر میل می‌کند. امّا در خیلی از موضوعات، تلاش کمی کردیم که روایت خود آدم‌های متهم را هم بشنویم یعنی من با مدارک و مستندات دقیق به این جمع‌بندی رسیدم‌ها که طرف متخلف است. البته تلاش کوچکی هم کر دهام که آقای فلاّنی به فلاّنی پیغام بدهید اگر بیايد حرف‌هایش را می‌شنویم. الان بیشتر سعی می‌کنم که حرف آن آدم را هم بشنوم.

الان، ۱۱ پرونده باز در دادسرا‌ها دارم؛ در هیچ کدام به معنای این که ثابت شده باشد ما کذب گفتیم، محکوم نشدیم. البته در یک پرونده بدوی، به‌خاطر شرایط ویژه‌ای که در دادگاه داشتیم، در تجدیدنظر هستیم تا رأی بدوی منقضی شود. چون در دادگاه بدوی، اجازه دفاع را از ما گرفتند و نتوانستیم مستندات مان را ارائه کنیم، می‌خواهم بگویم ادعای ما در دادگاه‌ها هم آزمایش شده و تأیید شده است.

؟ تهدید هم شدید؟

جسته و گریخته بوده است.

؟ توضیح می‌دهید؟

خیلی دوست ندارم در موردش صحبت کنم، چون اتفاق ویژه‌ای نیست، ولی سوزه‌هایی که رویشان کار کرده‌ایم، تلفن زدند یا پیغام‌هایی فرستاده‌اند که الحمدلله به جایی نرسیده‌اند.

؟ حواشی دیگر چطور؟

یکی از روزنامه‌ها، یک ویدیو علیه ما ساخت که این‌ها یک باند مخوف کارچاق کنی در دستگاه قضایی هستند و در نهاد‌های مختلف آدم دارند، می‌روند سراغ فعالان اقتصادی که این قدر پول بده تا بی خیالت شویم و برایت پرونده‌سازی نکنیم و در رسانه آپرویت را نبریم، یعنی آنها ما را یک باند چندوجهی می‌دیدند که مثلاً ما قسمت رسانه آن باند بودیم که از نظر ما اینها، چوک است.

با شائبه‌هایی نظیر این که فلاّنی داماد فلاّنی است و فلاّنی پسر فلاّنی است، ولی جدی‌ترینش همین است که آقا شما وصل هستيد و چرا با شما کاری ندارند و از این فضاها، یعنی در همین اتفاق اخیر «ماهشهر»، از این داستان‌ها زیاد گفتند که آقا شما چه‌جوری رفتيد ماهشهر، گزارش گرفتيد از مردم. ما چرا نمی‌توانیم برویم و از این دست حرف‌ها که همیشه هست و نمک کار است.

؟ دغدغه‌ها امروز میلاد گودرزی؟

در چند لایه می‌شود جواب داد. اگر بخواهم خیلی صریح بگویم، پُرو رو شدن مردم است، یعنی دنبال این هستم که مردم احساس کنند که صاحب همه چیز هستند و مطالبه‌گر باشند، امر به معروف و نهی از منکر کنند و بی تفاوت نباشند. «به من چه، به تو چه؛ ممنوع». باید به جایی برسیم که اگر می‌بینیم فرماندار فلاّن شهر یا شورای فلاّن شهر، به‌صورت خلاف، ساختمان‌ساز میکند یا هر اتفاق دیگری چه در سطح محلی و چه ملی، اولاً کسی به خودش نگوید به من چه؟ ورود کند، مطالبه کند و ثانیاً وقتی ورود کرد به کسی اجازه ندهد که بگوید به تو چه؛ دغدغه شماره یک‌مان این است که حالا دلبش می‌شود استرا‌تژی و راهبردی طراحی کرد که ما برای آن، رسانه را انتخاب کرده‌ایم و پیگیری‌اش می‌کنیم.

؟ عم بزرگ این روزهای تان؟
یک کلمه است که این روزها در موضوعات مختلف با آن بر خورد می‌کنم و آن هم تبعیض است. در پرونده‌های مختلف که ورود می‌کنیم با یک تبعیض مواجه می‌شویم که راه فراری از آن نیست، مثلاً می‌روی در «لواسان»، آن بالایی را می‌بینی که مدل زندگی کردنش، اشیرافی است و پولی که معلوم نیست از کجا آمده و بعد می‌روی مثلاً در «ماهشهر» آن آدم‌ها را با آن وضع زندگی می‌بینی،

خب؛ این کتراست و فاصله طبقاتی اذیت‌کننده است.

نمی‌دانم اسمش را می‌شود غم گذاشت یا نه؟ ولی اذیت می‌کند این که می‌بینی در یک پرونده خصوصی‌سازی، یک آدم، ۵۰۰میلیون دلار ارز دولتی گرفته و در بازار آزاد فروخته و در همان فضایی که ارز سه برابر شده، یک‌سری آدم له شده‌اند، این آدم، یک‌شبه، ثروتش سه برابر شده و با همان ثروت رفته یک کارخانه دولتی را به قیمتی ناچیز تصاحب کرده و دوباره یک سطح، بالاتر رفته است. در مقابلش، کارگر، شش ماه حقوق نگرفته و وضعیتش بدتر شده است، این تبعیض، آزار دهنده است.

؟ به چی فکر می‌کنید؟

همین الان یا کلاً؟

؟ کلاً.

به این فکر می‌کنم که چه‌جوری می‌شود همه آدم‌های فعال در این فضا را به صحنه آورد، به فرمش هم فکر می‌کنم. خیلی آدم است در شهرستان‌ها که می‌روی، طرف می‌گوید من دانشجو هستم، من مستندساز هستم، من وکیل هستم، یکی می‌گوید در شهر داری کار می‌کنم. هر کسی، به‌نحوی، می‌خواهد نقشش را ایفا کند ولی مدلی برایش وجود ندارد و از تو انتظار دارند که برایشان، بسترسازی کنی، دغدغه اصلی‌ام این است که به یک مدل نرسیم که همه اینها پای کار بیايند.

؟ بر خورده‌ای دستگاه قضایی با شما چگونه است؟

الان، یک‌دهر بهتر شده ولی قبلاً همان فضای «به تو چه» خیلی جدی بود. از من شکایت می‌شد، به دادسرا که می‌رفتم، قاضی در نگاه اول و قبل از اینکه کار بررسی‌شده، می‌گفت به تو چه ربطی دارد که آمده‌ای در گیر این موضوعات شده‌ای؟!

البته، الان فضا بهتر شده و دیگر آن قاضی به خودش جرأت نمی‌دهد که بگوید چرا خودت را وسط انداخته‌ای؟ چرا که اهمیت رسانه و بحث مسئولیت اجتماعی را پذیرفته‌اند. اما نکته‌ای که در این میان مطرح می‌شود، عدم زیر ساخت قانونی، برای برخورد با چنین پرونده‌هایی است.

مثلاًفناه، بر خروردها، سلیقه‌ای است. من به شوخی به بچه‌ها می‌گویم قاضی‌ای که ما را احضار می‌کند، این که شب قبیش با زن و بچه‌اش دعوا کرده باشد یا نه؛ در رفتارش با ما اثر دارد. خیلی سازوکار مشخصی ندارد. البته برخی دادگاه‌هایی هم برگزار می‌شود که رأی نهایی‌شان، بسیار مترقی است. به‌عنوان مثال، ریشه این اعتراضات و التهابات اخیر، سوءتدبیر دولت بود، پس این راننده کامیونی را که بازداشت شده، قاضی با همین مواد قانونی تبرئه می‌کند اما از آن طرف هم یک خبر نگار به ۲۵ضربه شلاق محکوم می‌شود، یعنی کاملاً سلیقه‌ای زده است. البته این حرف‌هایی که امروز در رأس دستگاه قضایی، زده می‌شود، حرف‌های مترقی و روبه جلویی است؛ اینکه «رسانه‌ها در مبارزه با فساد، همکار دستگاه قضایی هستند»، «ما از افشاگران فساد و گزارشگران فساد حمایت می‌کنیم» که واقعاً آقای رئیسی هم به آنها اعتقاد دارد. اما این حرف‌های مترقی در لایه سخنرانی و موعظه مانده، به‌نظرم در بدنه دستگاه قضایی جاری نشده است، یعنی آن دادسرای که در قزوین، ما را احضار می‌کند، در پوشهر احضار می‌کند یا در لواسان احضار می‌کند، هنوز هیچ رنگ‌وبویی از این حرف‌های مترقی را در آنها نمی‌بینیم.

ما در این بدنه اجتماعی، در حال گذار هستیم و در حال تجربه یک دورانی هستیم که یک‌سری باید له شوند، در واقع هزینه بدهند که یک‌سری اتفاقات مثبت بیافتد. به‌نظرم باید چهار تا خبرنگار شلاق بخورد تا بالاخره قانونی در حمایت از گزارشگران فساد یا افشاگران فساد تصویب شود.

؟ سخن آخر؟

می‌خواهم وصلش کنم به آن غم بزرگ که گفتم و آن هم این است که حس می‌کنم نسبت به تبعیض بی تفاوت شده‌ایم و این بی تفاوتی، دردی است که آن شاهانه درمانی داشته باشد.

با خودم فکر می‌کنم، می‌بینم که با گفتن برخی خبرها در رسانه باید سه مسئول سگتنه کنند، یعنی این قدر قضیه، سنگین است. از فلاّن نقطه «ماهشهر» و ویدیوی در‌آور از سطح زندگی مردم منتشر می‌شود اما می‌بینیم که هیچ اتفاقی نمی‌افتد، چه در ما به‌عنوان شهروند جامعه و چه در آنها‌یی که مسئول هستند. این که ما فقط نظاره‌گر هستیم، خیلی دردآور است.



یادداشت **علی خلیلی***



است. خبرنگاران این سبک، همواره در میانه تلاطم فضای سیاسی و اجتماعی کشورها بر نازستی‌ها و کج‌روی‌های اصحاب «ثروت» و «قدرت» متمرکز می‌شوند همین چالش‌برانگیز بودن موضوعات مورد تحقیق در این سبک از روزنامه‌نگاری، فرآیند رسیدن به موفقیت در آن را که دیده شدن از جانب مخاطب و مبدل کردن ایده‌های نوین خبرنگار به اولویت‌های ذهنی عموم مردم است، با موانعی جدی مواجه می‌سازد. گذشته از محدود بودن اطلاعات آشکار پیرامون فعالیت‌های سوزه‌های خبرنگار تحقیقی و جنس موضوع که در اکثر موارد، زنجیرهای از افراد فاسد یا مناسبات فسادانگیز را نشانده است؛ مسئله قانون دانان قانون شکن نیز همواره در کمین خبرنگاران این سبک پُر درسر و در عین حال، پرهیجان بوده است. برخی از مواد «قانون مجازات اسلامی» در ایران نیز مورد سوء استفاده برخی مفسدین مشهور به «بقه سفید» قرار گرفته است؛ شخص به‌ظاهر محترمی که در پناه حرمانگی، عدم شفافیت و به بهانه حفظ حریم خصوصی خود و در فقدان حمایت جدی از افشاگران مفاسد، اقداماتی انجام می‌دهند که در حداقلی‌ترین نگاه، مشکوک است.

فضیلت خطرپذیری

پیگیری مفاسد کلان می‌تواند هر شخصی را بی‌پای محاکمه کشانده و اتهاماتی همچون «شتر اکاذیب» و «توهین» و «افترا» را در برگ «کیفر خواست» بنشانند؛ اما این فضیلت خبرنگار قصبه پُر غصه ماست که باخطرپذیری، منافع شخصی خود را از نظر دور کرده و به منفعت عمومی می‌اندیشد؛ منفعتی که بدون ریشه‌کن شدن روابط فسادانگیز از طریق شفافیت نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور و رفع تعارض منافع مقامات، حاصل نخواهد آمد؛ گودرزی خطرپذیر است؛ این را صراحت‌لپچه

«**دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی**

گپ‌وگفت با دادستان شهرستان چهارباغ که در مراسم افتتاحیه جشنواره عمار از میلاد گودرزی تقدیر به عمل آورد

فضا را با «رسانه» به نفع عدالت جلو می‌بریم

رسول احمدزاده، از آن دهه هفتادی‌هایی است که آدم را به آینده امیدوار می‌کنند، از آن‌هایی که چمبران‌وار پِای کار می‌آیند برای حل مشکلات. اسم آقای احمدزاده، دادستان شهرستان چهارباغ استان البرز از زمان تصدی پستش در دستگاه قضا سر زبان‌ها افتاد؛ ابتدا با پرونده تخلف شورای شهر چهارباغ و پس از آن صدور احکام متفاوت و به‌روز در پرونده‌های مختلف. احمدزاده، مسیری را در دستگاه قضا آغاز کرده است که می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات را در کشور خشک کند. این قاضی جوان در افتتاحیه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، جایزه ویژه این جشنواره؛ یعنی «دستکش ننه عصمت» را به میلاد گودرزی به‌دلیل فعالیت‌های عدالت‌خواهانه اهدا کرد. در ادامه، گفت‌وگوی «عمار» را با احمدزاده می‌خوانید.



؟ در ابتدا کمی از خودتان برای ما بگویید؟

رسول احمدزاده، متولد سال ۱۳۷۲ در شهرستان خوی هستم، تا سن هجده سالگی در همان خوی بودم تا زمان دانشگاه که در دانشگاه علوم قضایی پذیرفته‌شدم. مهر سال ۹۰ بود که وارد دانشگاه علوم قضایی شدم و پس از چهار سال از این دانشگاه، فارغ التحصیل شدم و دوره کارشناسی ارشدم را در دانشگاه تهران و دکتری را نیز در دانشگاه تربیت مدرس به پایان رساندم.

زمانی که سال آخر دبیرستان، اسم دانشگاه علوم قضایی را در دفترچه کنکور دیدم، با پدرم مشورت کردم، از همان ابتدا خیلی مشوق من بود و تا آخرین لحظه که جواب نتایج کنکور بیاید، آمیدش این بود که من در دانشگاه علوم قضایی قبول می‌شوم و من به‌خاطر اشتیاق پدرم ترغیب شدم تا این مسیر را بر قدرت ادامه دهم.

؟ شرایط خانواده؟

ما یک خانواده متوسط بودیم، نه اینکه به‌گویی ضعیف بودیم نه مثلاً خیلی ثروتمند. مثل بقیه بودیم، پدرم نظامی بود و مادرم هم خانه‌دار است.

؟ تصویری که از قضاوت در دوران تحصیل داشتید،

با چیزی که امروز از نزدیک می‌بینید، چقدر متفاوت است؟

قطعاً آن چیزی که ما فکر می‌کردیم با چیزی که الان وجود دارد، خیلی متفاوت است. اما این‌طور نبوده که آدم را زده کند یعنی آدم به یک چیز قضایی فکر می‌کرده، بیاید ببیند نه این یک چیز دیگر است. خیلی تشابه دارد با آن تفکری که ما نسبت به قضاوت داشتیم و آن آرمان عدالتخواهی‌مان که بیاییم وارد این کار بشویم. الان آن ایده‌ها و آرزوهایمان فکر می‌کنم در جریان کار، جامه عمل پوشانده می‌شود.

؟ بیشتر توضیح می‌دهید؟

دوره‌ای که در خوی زندگی می‌کردیم، اواخر دوران مدرسه‌ی من بود. تقریباً نسل ۸۸ می‌شد که دادستان خوی را جلوی منزلش شهید کردند. خب! این یک تفکری بود در ذهن من که یک انسان جهادی، مدتش مثل همین دادستان می‌تواند باشد و من سقف آمال و آرزوهایم، در سال اولی که وارد دانشگاه شدم، این بود که به چنین جایی برسم. یک دادستان خوب که آن قدر، کارش، اصلاح‌گرایانه است و مجرمان، خلافکاران و مفسدان را اذیت می‌کند که آنها قصد جانش را می‌کنند.

جلو تر که آمدم، دیدم نه! کارهای خیلی جدی‌تر هم می‌شود کرد. دادستانی در یک شهرستان، شاید اول کار است، شما در سطح قوه قضائیه، در سطح کلان جامعه، خیلی کارهای جدی‌تری می‌توانی بکنی و الان هم که وارد کار شدیم، از صفر شروع کردیم و جلو می‌رویم.

؟ لحظه‌ای بوده که پشیمان شده باشید؟

شاید فکر کنید که اغراق می‌کنم اما واقعاً لحظه‌ای از مسیرم، پشیمان نبودم و همیشه به‌دنبال پیشرفت بودم. البته در موقعیت‌های مختلف، ممکن است که حس ناامیدی به انسان دست بدهد، اما این حس تا فرمایش برای من ادامه نیافته است، این‌ها زود گذرند و به‌نوعی واکنشی در برابر همان موقعیت‌ها هستند اما آن دلسردی و بی‌انگیزگی تا به حال برپایم به‌وجود نیامده است.

؟ برویم سراغ حوزه کاری فعلی‌تان؛ درباره قضیه شورای

شهر «چهارباغ» که در مقطعی هم رسانه‌ای شد، توضیح می‌دهید؟

از زمانی که من وارد قوه قضاییه «چهارباغ» شدم، این‌ور آن‌ور، مردم می‌گفتند که شهرداری و شورای شهر، فاسد هستند و با رانت و پول، کارها را جلو می‌برند و شهر را به نابودی کشانده‌اند. دستوری به اداره اطلاعات دادم که موضوع را بررسی کنند. یک مدت گذشت و مأموران اداره اطلاعات آمدند و جلسه گذاشتیم و علیه تعدادی

از اعضای شور اعلام جرم کردیم؛ تعدادی از اعضای فعلی و سابق، شهردار سابق، کارندهای شهرداری و کارچاق‌کن‌ها را بازداشت کردیم و تحقیقات‌مان به‌صورت علنی شروع شد. یکی از تخلفات جالب این‌ها این بود که بین خودشان، قرار گذاشته بودند که دو عضو شورای شهر چهارباغ از شهرداری شهر اندیشه و دو عضو شورای شهر اندیشه از شهرداری چهارباغ حقوق بگیرند.

می‌توانستیم علیه این افراد اعلام جرم بکنیم، اما دیدیم این فرآیند ممکن است طولانی شود. به دو عضو شورای شهر اندیشه، گفتم می‌توانم علیه شما اعلام جرم کنم، آبروی شما برود و تماش هم شما باید پول را برگردانید، راه دوم این است که خودتان، پول و سودش را بریزید به حساب شهرداری چهارباغ، ما هم از اختیار قضایی‌مان استفاده می‌کنیم و حکم مقتضی صادر می‌کنیم.

فکر می‌کردند با آنها شسوخ می‌کنم، می‌گفتند نمی‌توانید کاری کنید. در نهایت گفتم سه روز فرصت می‌دهم اگر پول را پس دادید که هیچ، اگر ندادید آن موقع می‌بینید که چه بلایی سر تان می‌آید.

در چنین مواردی، مدیریت کردن فضا، هم خیلی مهم است، درست



آگاهی بخشی به مردم، یک مسئله مهم است، باعث می‌شود که مردم، جلوی پایشان را نگاه کنند و ببینند درست است که امروز، زمین کشاورزی‌ات را می‌فروشی و سود می‌کنی، ولی در واقع، به نسل آینده خودت و کشورت ضربه می‌زنی. این فرهنگ سازی در کشپور ما، به نظر من، خیلی ضعیف است، یعنی اصلاً در فضای عمومی کشور، چه تبلیغات رسمی و چه غیر رسمی، چیزی راجع به این موضوعات، نمی‌بینید. البته بعضاً بچه‌ها بعضی گروه‌های دانش‌سجو، در یک‌سری مثل ویلاسازی غیرمجاز در لواسان و...، ورود کردند ولی اینها بیشتر از حیث مقابله با مفاسد و گردن کلفت‌ها بوده، بحث ما، یک چیز دیگر است. بحث‌مان، افراد معمولی هستند، اینها، به نظر من، کار رسانه است

کارگردان مستند افشاگرانه «داد» از سبک خبرنگاری میلاد گودرزی می‌گوید:

تکثیر مدل رسانه انقلاب

برما نمودن اخبار پنهان و رفتارهای ناصواب صاحبان قدرت‌ثروت، مورد توجه قرار گرفت و به‌صورت یک سبک در آمد تا آنجا که صاحب‌نظران علوم ارتباطات برای آن، نظر به‌پیردازی کرده‌اند.

هر چند نظرها در این باب مختلف است، اما ریشه مشترک بیشتر این نظریات در توصیف ژورنالیسم تحقیقی، آن را فراتر رفتن خبرنگار از یک گزارش خبری و تحلیلی ساده و سیر در اعماق و لایه‌های پنهان وقایع، اخبار و دست یافتن به جزئیاتی است که معمولاً از چشم مردم عادی دور نگه داشته می‌شوند، می‌باشد که البته کاری پُر مخاطره، پُریسک و گاها با صرف وقت و هزینه بسیار است که خبرنگاری جسور، شجاع، باسواد، پُرمطالعه، پُر حوصله و با دامنه ارتباطات وسیع، برای دستیابی به اسناد مطلوب برای سوزه مورد نظر می‌طلبد تا پا در این میدان بگذارد.

اتفاقی که نیاز امروز جامعه ماست، جامعه‌ای انقلابی که هزاران آرمان تحقق نیافته، مقابل خویش می‌بیند و ضعف مشهود مدیریت در سطوح مختلف که منجر به بروز فسادهای کوچک‌وبزرگ در

است که در دادگاه، حکم صادر می‌کنیم ولی همه ماجرا، دادگاه نیست، یعنی از طریق رابطه‌ها و افراد مختلفی که داشتیم و مدیریت فضای رسانه‌ای، فضا را به نفع عدالت جلو می‌بریم. خلاصه، این افراد پول‌ها را پس دادند. در رابطه با آن دو عضو دیگر هم پرونده‌ای جداگانه داریم.

؟ قضیه ساخت‌وساز غیر قانونی ویلاها چه بود؟

قصه، این شکلی بود که اعضای شورای شهر چهارباغ، شهر را بین خودشان تقسیم کرده بودند. هر قسمتی از شهر، منطقه استخفاظی یکی از اعضا بود و هر کسی می‌خواست در آنجا ساخت‌وساز کند، اگر جواز می‌گرفت که هیچ، اگر جواز نمی‌گرفت باید با این آقایان هماهنگ می‌کرد.

در تحقیقاتی که داشتیم، پای جهاد کشاورزی هم به میان آمد، هدف‌مان این بود که بر خورد جدی بسا اینها صورت بگیرد و بداند که شهر بی حساب و کتاب نیست و داد گستر، جلوی تخلفات را می‌گیرد. بعد از دستگیری‌هایی که داشتیم، در شهرهای مختلف هم موجی راه افتاده بود که همین‌طور شهردار و شورای شهر بود که بازداشت می‌کردند. البته قبلیش هم بود، اما نوعاً قانون شهرداری‌ها، طوری طراحی شده که فساد در آن، به‌احتی شکل می‌گیرد.

؟ مسئله اصلی در این‌طور اتفاقات چه چیزهایی است؟

موضوع خیلی مهمی که به آن توجه نمی‌شود، حقوق عمومی است، اگر حتی از کسی زایل شود، وا شکایت می‌کند و بعد از آن، رسیدگی می‌شود ولی در حقوق عامه که مربوط به کل جامعه است، چون معمولاً کسی متولی نیست یا درگیر کارهای دیگری هستند، معمولاً پرونده‌ای شکل نمی‌گیرد. الان در همین قصه آلودگی هوا، همه، از این اتفاق، رنج می‌بریم ولی پیگیری نمی‌شود که مسئول این آلودگی هوا چه کسی است، یکی از این قصه‌ها هم قصه تغییر کاربری است که لازم است قوه قضاییه از جهت حفظ واحیای حقوق عامه ورود کند. ما ورود کردیم و در یک مورد، چهار صد حکم تخریب دادیم، بنایمان این است که با عوامل این مسائل، برخورد جدی کنیم، این افرادی که چنین ساخت‌وسازهایی می‌کنند، سوداگران و پولدارهایی هستند که زمین کشاورزی را می‌خرند، تغییر کاربری می‌دهند و سود کلان نامشروع به دست می‌آورند.

وقتی در این قضیه، کلان می‌شوید، می‌بینید با این کارها، کشاورزی در کشور از بین می‌رود. کشاورزی یکی از مؤلفه‌های مهم استقلال و امنیت غذایی کشور است. سوداگران به‌خاطر منافع شخصی‌شان، کشاورزی را از بین می‌برند و دیر نیست روزی که ببینیم که دیگر

ساختار نظام گشته است و بدتر از آن، عدم توانایی سازمان‌های نظارتی برای کنترل وپیشگیری از این بالای خاتمان سوز که به جان اعتماد مردم به حاکمیت افتاده است، راه چاره‌ای ندارد جز گسترش ژورنالیسم تحقیقی برای صیانت از انقلاب و اهداف والایش و یاری مظلومان و بالا بردن صدای بی‌صدایان و زدودن فساد، تبانی، رانت و اختلاس از ساختار سیاسی واقتصادی کشور و تغییر شرایط از منفعت‌طلبی‌های فردی به نفع منافع عمومی که آقای «میلاد گودرزی» طی چند سال اخیر، با جسارت مثال‌زدنی، پا در این عرصه گذاشته است.

او با ذکاوت تمام از توسعه رسانه‌های جمعی، بهترین بهره را برده و با ارائه مستند خبری‌های هیجان‌انگیز و افشاگرانه کوتاه که قابلیت نشر در شبکه‌های اجتماعی و تعاملی را دارد، علاوه بر جذب مخاطب عام، شاخک‌های مسئولان قضایی وامنیتی را به پرونده‌های فسادهای بزرگ در زمینه اختلاس‌ها، رانت‌ها و وام‌های کلان بی‌بازگشت بانک‌ها و خصوصی‌سازی‌های بی‌حساب و کتاب و زمین‌خواری‌ها و ویلاسازی‌های غیرمجاز جلب کرده است.

اتفاقی که منجر به بازگشت چند صد میلیارد تومان به بیت‌المال گشته و علاوه بر آن بارقه‌های امیدگی به‌سان سرمایه اجتماعی نظام است در دل‌های مشتاقان مبارزه جدي با فساد روشن نموده است. میلاد گودرزی، در این عرصه، صرفاً فعالیت خویش را به

صنعت کشاورزی دیگر مثل سابق نیست.

؟ درباره احکامی هم که در قضاای گرانی بنزین صادر کردید، توضیح می‌دهید؟ خیلی صدا کرده بود.

یک‌سری از مردم آمدند اعتراض کنند، یک‌سری اغتشاش‌گرها هم بر این قصه شدند و این وسط، صدای مردم، خفه شد. در یک مورد، دو تا راننده تریلی که از قزوین برای تهران، بار داشتند، به اتوبان تهران- کرج که می‌رسند، می‌بینند اتوبان بسته است، به یکی از جاده‌های فرعی که طرف چهارباغ است، می‌روند که از شانس بدشان، آنجا هم مسدود بوده است. یک‌سری موتورسوار هم اینها را تهدید می‌کنند که نباید حرکت کنید.

پلیس امنیت این راننده‌ها را به اتهام اخلاخ در نظم عمومی بازداشت کرده بود، وقتی پرونده به من ارجاع شد، ماجرا را بررسی کردم و برایم محرز شد که اینها کاری نکرده‌اند. اگر هم اخلاخی ایجاد شده بود، نتیجه کار اینها تیر، تیر نه‌شان کردیم. من در دادنامه‌ام هم کمی به همین واقعیت‌های اجتماعی پرداختم. من، وقتی قاضی هستم، نماینده مردم هستم و باید بر مبنای قانون رفتار کنم. در دادنامه، استدلال کردم که حتی اگر اینها، خیابان را بسته بودند، کارشان، نوعی اعتراض مدنی است، یعنی اصل ۲۷ قانون اساسی، آزادی تجمع و راهپیمایی مسالمت‌آمیز داده است. چنین دادنامه‌ای صادر کردیم که نشان بدهیم همان‌طور که رهبری هم تأکید کرده بود، صف مردم را از اغتشاش‌گرها جدا کردیم. جایی که صف مردم را در اغتشاش‌گر جدا می‌کند، دادگاه است. فکر نمی‌کردم این دادنامه، این قدر در فضای مجازی پخش بشود.

؟ به عنوان قاضی، به‌نظر تان چه کار باید بکنیم که این مسائلی که شما هم در آنها ورود کردید، کمتر پیش آید؟

آگاهی بخشی به مردم، یک مسئله مهم است، باعث می‌شود که مردم، جلوی پایشان را نگاه کنند و ببینند درست است که امروز، زمین کشاورزی‌ات را می‌فروشی و سود می‌کنی، ولی در واقع، به نسل آینده خودت و کشورت ضربه می‌زنی. این فرهنگ‌سازی در کشور ما، به نظر من، خیلی ضعیف‌است، یعنی اصلاً در فضای عمومی کشور، چه تبلیغات رسمی و چه غیر رسمی، چیزی راجع به این موضوعات، نمی‌بینید. البته بعضاً بچه‌ها بعضی گروه‌های دانش‌سجو، در یک‌سری مثل ویلاسازی غیرمجاز در لواسان و...، ورود کردند ولی اینها بیشتر از حیث مقابله با مفاسد و گردن کلفت‌ها بوده، بحث ما، یک چیز دیگر است. بحث‌مان، افراد معمولی هستند، اینها، به نظر من، کار رسانه‌است.

افشاگری محدود نکرده و پروژه‌ها را تا رسیدن به نتیجه که بررسی قضایی آن و محکوم نمودن متخلف و مفسد بوده، دنبال می‌کند و این نقطه، تمیز کار او با رسانه‌های معاند و سیاهنمای داخلی و خارجی است که با پروپاگاندا در پی کور کردن روزنه‌های امید مردم و جامعه هستند. از این جهت باید او را پیشروی ژورنالیسم تحقیقی انقلابی دانست.

گودرزی خوب می‌داند پا در چه عرصه‌ای گذاشته است و چه ضرورتی برای گسترش این حرفه در شرایط فعلی کشور داریم. لذا با سفرهای متعدد در سراسر کشور و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حال تکثیر خویش است. اتفاق خجسته‌ای که به‌زودی خواهیم دید در سراسر کشور، دیده‌بانانی تربیزین سر بر خواهند آورد که ناظر بر اعمال مسئولان، قدرتمندان دولتی و صاحبان مؤسسات خصوصی پُر قدرت خواهند شد تا هر گونه اعمال خارج از چار چوب قانون آنها را به مردم گزارش دهند.

باید به آینده امیدوار بود، روزی فرا می‌رسد حتی آنها که از خدا نمی‌ترسند و به خیال خردشان، در خفا به هر چه خواهند، دست می‌یابند، از به دام افتادن در تله یک خبرنگار محقق جسور که ممکن است تحت رسوایی‌شان را از پام ببندازد و آمار واطلاعات آنها را بسرای افکار عمومی منتشر کند، بترسند و دست از پا خطا نکنند.

✽ کارشناس ارشد رسانه و مستندساز

یادداشت **علی اصغر مرتضایی راد**

مقایسه «جهاد سازندگی» و «خبرنگاری تحقیقی» از نگاه یک فعال رسانه‌ای

ژورنالیست آوانگارد

دهه ۶۰ را که زیرورو بکنی، به جریان‌هایی برخورد می‌کنی که «مردمی بودن» را به‌معنای واقعی کلمه، می‌توان در آن مشاهده نمود؛ جهاد سازندگی، واحدهای امور تربیتی و نهضت سوادآموزی از جمله این مجموعه‌ها یا بهتر بگوییم جریان‌ها هستند که توانستند مردمی عمل کنند.

راز موفقیت آنها نیز در این است که به جای شعار دادن، سعی کردند با فطرت انسان‌ها ارتباط برقرار کنند. فطرت آدمی عدالت‌طلب است، به هنر گرایش دارد، از ظلم وفساد، بیزار است و در یک کلام، خوبی و زیبایی را می‌خواهد و از بدی‌وزشتی بیزار است.

این جریان‌ها با دست گذاشتن روی همین نقاط ثقل فطری، توانستند انسان‌ها را به سمت خود جذب کنند و جلوه مردمی بودن را در عمل به رخ بکشانند. جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی با خدمت‌رسانی در مناطق محروم، روی عدالت، دست گذاشتند و مربیان تربیتی با ابزار هنر، اقشار مختلف را به‌سوی خود جذب کردند. البته همین توانایی در جذب مردم بود که باعث شد جریان‌های مخالف، متخالف، نتوانند حضور آنها را بر تابندند و دولت‌های لیبرال، یکی پس از دیگری تیشه به ریشه این نهال‌های نوپا زدند.

با گذشت سال‌ها از آن دوران طلایی، گرچه امروز کمتر جریانی توانسته است مانند آن دوران، غلم مردمی بودن را در حرف و عمل بلند بکند اما با این حال، گروه‌ها و افرادی در گوشه و کنار، روزنه‌هایی را در تاریکی‌ها به‌وجود آورده‌اند که چشمان جریان قدرت‌ثروت را آزار می‌دهد. یکی از این افراد «میلاد گودرزی» است؛ کسی که به‌قول خودش «آوانگارد» است و سعی می‌کند؛ «پیشرو» باشد. گودرزی، کارش این است که روی فطرت هنر دوست و ضدفساد مردم دست بگذارد.

در دورانی که دوران زوال «خبرنگاری تحقیقی» است و خبرنگاران پس از دوران جنبینی به‌صورت ناگهانی پیر شده و به عناصر آداری و پشت‌میزنشینی تبدیل می‌شوند، میلاد گودرزی، از معدود خبرنگارانی است که خط حیات خبرنگاری در ایران را شکسته و وارد دوران جوانی شده است. هر جاء مسئله‌ای است، ردّ پایی از او را می‌توان دید، از «لواسان» تا «نانک سرمایه» و از «روزنامه قانون» تا ویلای «سرلشکر فیروزآبادی» و «شبنم نعمت‌زاده».

او مر میدان حقیقی است نه فضای مجازی. گرچه محصول فعالیت میانی‌اش در فضای مجازی، باقی رسانه‌های مجازی و رسمی را به گوشه‌رینگ برده و «آوانگارت» می‌کند. گودرزی، فعال رسانه‌ای است از نوع حزب‌اللهی اما با اکثر رسانه‌ها از حزب‌اللهی متفاوت است، تفاوت اصلی‌اش هم در این است که گرچه فرصت سلبریتی شدن و روی هم انباشتن «فالوور» داشته اما هرگز خودش را محدود به این تبلیغاتی‌های رسانه‌ای رسمی و صاوسیمایی مادر در عرصه مطالبه‌گری خود کرده است. درست مثل جهاد سازندگی که از وزارت خانه‌ها جلو زده بود و خیلی از ساختارها را مجبور به تبعیت از خود کرده بود. البته این رویه را خیلی‌ها بر تنابیده و به سبزی با آن برخوردانند و گودرزی و تیمش، همواره با «انوان دان‌های قانون‌گریز» درگیر است که نمود آن را در پرونده‌های قضایی متعددشان، می‌توان مشاهده کرد. اما این امر باعث نشده است که دست از کار بکشد و عرصه را خالی کند. او نیز «قانون» را بلد است و می‌داند چگونه مع قانون‌دان‌های قانون‌گریز را بگیرد. مع‌گیری که به‌ادامی خودش تاکنون ۳۰۰ میلیارد تومان را به بیت‌المال باز کرده است.

یادداشت **محمدولوی**

روابط عمومی مردم

«میلاد گودرزی» را می‌توان نماد نسل جدید فعالان عدالت‌خواه نجیب، جسور، متین، وزین و تیزهوش در مطالبه عدالت دانست. فرم را به خوبی می‌شناسد. اما همچون دیگران فر مرزده و مقهور تحولات فضای رسانه نشده است. با اینحال، شناخت حرفه‌ای او و تیمش از تکنیکها و ابزارهای روز رسانه‌ای، کارهای وی را به یک سبک جدید عدالت‌خواهی در تراز نمونه‌های مشابه جهانی تبدیل می‌کند. گودرزی می‌توانست در فضای زرد، شکل گرفته از فضای شبکه‌های اجتماعی، ببیند کجا کسی را از کار اخراج کرده یا شلاق زده‌اند تا زست بگیرد، غر بزند و روزانه در نقد وضعت موجود بنویسد، ناامیدی را با توییتهایش در فضای عمومی جامعه پمپاژ کند و خودش، ذوق زده، بالا رفتن فالوئرهایش را در اینستاگرام مشاهده کند و به سوزه بعدی فکر کند.

اما او با مستندهای عمیق، دقیق و تحقیقی «شهرداد» تر جیح داده تا یک نگاه دقیق به بررسی عمیق و تحلیلی مسائل و کشف حقایق پنهان و انتشار آنها بپردازد. امری که به بازگشت میلیاردها تومان به بیت‌المال منجر شده و اصلاح ساختارهای معیوب و فسادزاد را در آینده نزدیک به‌دنبال خواهد داشت.

او هر سوزه فساد را که به دستش برسد، شستاب زده منتشر نمی‌کند. فرض را بر این می‌گذارد که متهم تا وقتی جرمش ثابت نشده، بی‌گناه است. با مطالعه و مشاهده به پیش می‌رود و با طراح‌ی سناریوایی هوشمندانه، در نهایت مجرم را در دام خود می‌اندازد.

پایان مستندهای او آغاز ماجرا است.

نکته جالب اینجاست که تولیدات رسانه‌ای او در عین دارا بودن تدریک‌ترین نسبت با مبنای انقلاب اسلامی، در فضای عمومی جامعه نیز بیشترین اقبال را در بین هزاران محتوای رسانه‌ای با رست چپ‌گرایی از ضدانقلاب تا طیف‌های مایوس و سردگم قائل به نظام دارد. او روابط عمومی مردم است. تکثیر مدل رسانه‌ای «میلاد گودرزی» در سطح کشور، یک ضرورت راهبردی است.

✽ دانش‌آموخته دکتری مدیریت رسانه

گزارش

دهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار، از اوسط مهر ماه سال جاری، با انتشار فراخوان در پنج بخش «فیلم»، «جشنواره علوم انسانی»، «فیلم ما»، «فراخوان‌های مردمی» و «فراخوان اکران مردمی» و همچنین در هفت موضوع «روای ایرانی»، «پایش و پالایش اجتماعی»، «حافظه ملی»، «فتنه ۸۸»، «مقاومت جهانی»، «همت مؤمنانه» و «ملت قهرمان» کار خود را شروع کرد.

پس از اعلام فراخوان، دبیرخانه جشنواره در بخش فیلم در قالب‌های داستانی (کوتاه، نیمه‌بلند، ویدئویی و سینمایی)، مستند، پویانمایی و موشن گرافیک، کلیپ و نماهنگ، برنامه تلویزیونی (ترکیبی، گزارش خبری، موشن گرافیک، کلیپ و تلویزیون اینترنتی و...)، فیلم‌نامه (طرح، سیناپس یا فیلم‌نامه کامل داستانی و سریال، طرح فیلم‌نامه مستند)، لوح‌نگار (پاور پوینت)، نقد، مقاله و پژوهش‌های سینمایی و همچنین فیلم‌ما اقدام به پذیرش آثار کرد.

در مراحل مختلف دریافت آثار، دبیرخانه جشنواره جهت داوری اولیه و تعیین آثار راه یافته به بخش مسابقه، فیلم‌ها را در اختیار هیئت انتخاب قرار داد تا بر اساس سه شاخص کلی سوز و محتوا، جذابیت، فرم و تکنیک سینمایی به انتخاب اثر بپردازند.

با پایان یافتن مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار، در دهمین دوره ایسن جشنواره در ۱۵ آذر و دریافت ۲۶۸۳ اثر توسط دبیرخانه جشنواره که ۲۵۶ در صد رشد کمی نسبت دوره قبل داشت، روند انتخاب آثار از سوی هیئت انتخاب، شتاب بیشتری گرفت و در مرحله اول، از میان ۱۳۱ اثر رسیده به بخش «نماهنگ و کلیپ» ۲۵ اثر به بخش مسابقه راه یافت. همچنین از میان ۴۵۶ اثر رسیده به بخش «برنامه تلویزیونی، تلویزیون اینترنتی و گزارش خبری» ۵۰۰ اثر، از میان ۹۰ رسیده به بخش «پویانمایی»، ۱۲۲ اثر، از میان ۱۳۴۸ اثر رسیده به بخش «فیلم ما» ۴۴ اثر، از ۹۱ رسیده به بخش «لوح‌نگار»، ۱۱ اثر، از میان ۳۸۵ رسیده به بخش «فیلم‌نامه»، ۲۹ اثر، از میان ۶۱ رسیده به بخش «نقد، مقاله و پژوهش‌های سینمایی»، ۱۹ اثر راهی بخش مسابقه شد.

از میان راه‌یافتگان نهایی به بخش مسابقه در هفت بخش فوق، برگزیدگان جشنواره پس از داوری در روزهای هفتم تا نهم دی‌ماه تعیین شدند که در افتتاحیه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، معرفی و از آنان تقدیر به عمل آمد.

همچنین بر اساس اعلام دبیرخانه جشنواره، از میان ۶۲۸ دریافت شده در بخش «مستند»، ۱۸ اثر در موضوع «پایش و پالایش اجتماعی»، ۲۲ اثر در موضوع «ملت قهرمان»، هفت اثر در موضوع «روای ایرانی» ۱۲۳ اثر در موضوع «همت مؤمنانه»، ۱۵ اثر در موضوع «تاریخ فرهنگی، اجتماعی و دفاع مقدس»، ۲۱ اثر در موضوع «جنگ نرم»، ۱۲ اثر در موضوع «حافظه ملی»، ۱۳ اثر در موضوع «پداری اسلامی و جهانی» و هفت اثر در موضوع «مدافعان حرم» وارد بخش مسابقه شدند.

قم، خراسان رضوی و خوزستان پیشتازند

بنا بر این گزارش، از میان فیلم‌های رسیده به جشنواره، قالب مستند با ۲۲۸ اثر، داستانی با ۴۰۴، برنامه تلویزیونی با ۴۵۶، بیشترین آثار حاضر را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین موضوعات «روای ایرانی» و «حافظه ملی» نیز بیش از سایر موضوعات فراخوان جشنواره، مورد توجه فیلمسازان قرار گرفته است.

در بین استان‌های کشور، بعد از تهران، فیلم‌سازان استان‌های قم با ۳۰۱ اثر، خراسان رضوی با ۱۶۳ اثر و

در دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار چه خبر است؟

از فراخوان تا داوری

در بخش‌های نشانه‌شناسی و فرم عناوینی همچون انقلاب اسلامی و نشانه‌های مردمی، موجز گویی و مکفی گویی، قهرمان محوری، قصه گویی، خلاقیت و دستاورد فنی و کم هزینه بودن، مد نظر هیئت داوران قرار داشته است



خوزستان با ۹۶، بیش‌ترین تعداد آثار حاضر در دهمین

جشنواره عمار را دارند.

علاوه بر این، فیلمسازان شهرستان‌های اشکدر (یزد)، بهشهر و بابل (مازندران)، بوير احمد(کهگیلویه و بویراحمد)، داراب (استان فارس)، ملکشاهی (ایلام) و میناب (هرمزگان) نیز حضور قابل توجهی در دهمین جشنواره عمار دارند.

افزایش آثار ثبت‌نامی نسبت به دوره گذشته اکثراً مربوط به شهرستان‌ها هستند که نشان‌دهنده مشارکت در استان‌های مختلف است و خبر از این می‌دهد که جشنواره در تحقق عدالت در بخش تولید،

جبهه‌ای(گرایش به‌حق، استکبار،سستیزی و مبارزه با ظلم)، خودبساوری و امیدبخشی، روشنگری، نقد درون گفتمانی، رویکرد بومی با افق جهانی، مردم‌نمایی و مسئولیت‌پذیری مورد توجه داوران قرار گرفته است.

در بخش‌های نشانه‌شناسی و فرم نیز عناوینی همچون انقلاب اسلامی و نشانه‌های مردمی و همچنین موجز گویی و مکفی گویی، قهرمان محوری، قصه گویی، خلاقیت و دستاورد فنی و کم‌هزینه بودن، مدنظر هیئت داوران قرار داشته است.

در بخش «فراخوان‌های مردمی» که از دوره قبل، به بخش‌های فراخوان اصلی جشنواره، افزوده شد، تاکنون ۶۱ فراخوان از سوی اشخاص، تشکلات‌های مردمی و مؤسسات فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و علمی به ثبت رسیده است. علاقه‌مندان نیز می‌توانند جهت ثبت فراخوان جدید بر اساس دغدغه‌هایشان به سایت جشنواره AmmarFilm.ir مراجعه کنند.

از میان فراخوان‌های مردمی دوره جاری نیز می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

• جایزه «شهید محسن حججی» از طرف دکتر «ابراهیم رزاقی»، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، برای بهترین اثر با موضوع «اقتصاد مقاومتی»

• جایزه «کار» از طرف «رسول میمان»، قهرمان مستند «وقتی گفتند نمی‌شود» برای بهترین اثر با موضوع «اشتغال زایی در روستا»

• جایزه «بوذر غفاری» از طرف «ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور» برای دو اثر برتر با موضوع «حیای امر به معروف و نهی از منکر و مطالبه‌گری از مسئولان»

• جایزه «شهید همدانی» از طرف «خوانده سردار شهید حسین همدانی» برای بهترین اثر با موضوع «بانکداری اسلامی و قرض الحسنه»

«جشنواره علوم انسانی عمار»

دبیرخانه جشنواره، به منظور پشتیبانی ثنوریک از فعالیت‌های جبهه انقلاب در عرصه فرهنگ، هنر و رسانه، بخش «نقدها، مقالات سینمایی و پژوهش» را توسعه داده و در دهمین دوره عمار، آغاز به کار «جشنواره علوم انسانی عمار» را به‌عنوان یکی از بخش‌های جانبی، اعلام کرده است.

سیاست‌ها، موضوعات و سرفصل‌های «جشنواره علوم انسانی عمار» به تفصیل در فراخوان‌های بعدی این رویداد، رسانه‌ای خواهد شد. برخی از عناوین و سرفصل‌های این بخش عبارتند از: مباحث نظری پیرامون فرم، قالب و محتوا در سینما، نقدپ بررسی سازمان تولید و تماشا در سینمای ایران، نقد و بررسی آثار ادوار جشنواره مردمی فیلم عمار، تجربه‌های جهانی در حوزه تولید و اکران آثار سینمایی و هنری، بازخوانی ارزش‌های دراماتیک و رسانه‌ای مبتنی بر تجربه هنر و رسانه انقلاب، شاخصه‌های انسان انقلاب اسلامی با تأکید بر قهرمانان مستندهای جشنواره عمار، تحلیل ظرفیت‌های اجتماعی جامعه انقلابی ایران، تحلیل بازیگری جامعه ایرانی در سبیل ۹۸، بررسی سینما، صداوسیما و سایر رسانه‌های جمعی از حیث عدالت رسانه‌ای، نقد و بررسی صداوسیما و...

گفتنی است دهمین جشنوارهٔ مردمی فیلم عمار که افتتاحیه‌اش، روز گذشته، در تالار آندیشه حوزه هنری برگزار شد، پس از ۹ روز اکران آثار از ۱۲ دی الی ۱۹ دی در محل سینما فلسطين، با معرفی و تقدیر از برگزیدگان بخش‌های مستند و داستانی در اختتامیه خود در ۲۰ دی‌ماه به کار خود پایان می‌دهد. البته همچون ادوار گذشته جشنواره، اکران‌های مردمی که پیش از اکران‌های مرکزی جشنواره، شروع شده بود، به کارش ادامه می‌دهد.

گفت‌وگو

جلوتر از سینما

در افتتاحیه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، برگزیدگان شش بخش به انتخاب هیئت داوران جشنواره، معرفی و تقدیر شدند. با تعدادی از اعضای داوری این بخش‌ها گپ و گفتی داشتیم و نظرشان را درباره آثار امسال جویا شدیم.

● **امیر احمدجو: داور بخش فیلم‌نامه»**

فیلم‌نامه، اساس فیلم است و ضعف سینمای ما در این سال‌ها دقیقاً در همین بخش است، مسئله‌ای که سال‌های سال است پایدار مانده و رشد آن چنانی نداشته و امیدوارم که توجه و برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه سینمای ما را در فیلم‌نامه‌نویسی رشد دهد.

در آثار امسال جشنواره، چند فیلم‌نامه‌نویس مستعد حضور دارد که این استعداد هم در فیلم‌نامه‌نویسان بلند و هم در فیلم‌نامه‌های کوتاه به چشم می‌خورد.

مشکل فیلم‌نامه‌نویسی نه‌فقط در جشنواره عمار که برقیه جشنواره‌ها هم به چشم می‌خورد عدم مطالعه و کم‌بودی فیلم‌نامه‌نویسان است، به گونه‌ای که بعضاً مشکلات املایی نیز در برخی آثار موج می‌زند یا اینکه دیالوگ را تنها برای برای رد و بدل اطلاعات می‌دانند.

فیلم‌نامه افزون بر این که دستور کار فیلم‌سازی است جداگانه یک اثر ادبی هم محسوب می‌شود و از آن دیدگاه هم به آن نگاه می‌شود.

فیلم‌نامه‌هایی که هیئت انتخاب جشنواره عمار بر اساس مرامنامه این جشنواره انتخاب کرده‌اند نشان از پیشرفت فیلم‌نامه نویسان در بین بچه‌های عمار ی دارد و این پیشرفت نشان می‌دهد که عمار در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی توانسته سهم کوچکی را ایفا کند و امیدوار هستم که این روند سال به سال بهتر و بیشتر شود و ان‌شاءالله این جشنواره پایدار و روبه جلو حرکت کند و فیلم‌سازی را تربیت کند که در آینده سکال این سینما را به دست گیرد.

● **محمد تقی فهیم: داور بخش «نقد، مقاله و پژوهش‌های سینمایی»**

جشنواره عمار جشنواره‌ای متفاوت با دیگر جشنواره‌هاست، ما در سال ۴۰ جشنواره سینمایی داریم که همه‌شان مثل هم هستند، اما این جشنواره از جنبه‌های مختلف متفاوت است با دیگران و همین مسئله آن را جذاب کرده است. من در شصت جشنواره سینمایی داور بودام و معمولاً در جشنواره‌ها به موضوعات نقد و مقالات، به‌صورت جدی توجه نمی‌شود، بنابر این خود اینکه جشنواره عمار به این موضوع پرداخته و یک بخش را به مقاله و پژوهش اختصاص داده، جای خوشحالی دارد. توجه به پژوهش‌های سینمایی که منجر به آسیب‌شناسی آن می‌شود، به نظرم از خود سینما بالاتر است، خیلی از پژوهش‌ها و تحقیق‌هایی که به اینجا آمده و ارزیابی شده، خیلی از سینمای ما جلوتر است.

تنوع آثار در بخش نقد و مقالات جشنواره امسال بالا بود اما نکته‌ای که وجود دارد این است که «عمار» در این بخش ارتباط تنگاتنگی با بدنه سینما ندارد و باید در این میدان به نقد ژورالیستی بیش از پیش اهمیت دهد. نقد ژورالیستی در کشور ما بیشتر از خیلی چیزهای دیگر روی سینما تعمیم‌کننده است و ممکن است سینما را به سمتی ببرد که خودش می‌خواهد، مثلاً نگاه کنید در این سال‌ها کاری که یک مجله یا سینمای ما کرده و اینکه سینما را به سمت راهبردهای کلان حتی ایدئولوژیک خودشان سوق داده، تا چه میزان بوده است. بنابر این می‌خواهم بگویم در «عمار» چنین نگاهی به مقالات و پژوهش‌ها نیست، اما در گرایشات دیگر مثل اقتصاد، رسانه و هنر توجه زیادی شده بود.

● **میلاد عرفان پور: داور بخش «نماهنگ»**

امسال، به نظر، سطح کیفی آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره در «نماهنگ»، به مراتب ارتقا پیدا کرده بود و ما شاهد آثار بهتری بودیم که در زمینه‌ها و موضوعات مختلف کار شده بود و همین مسئله، یک مقدار کار داوری را دشوار کرد. پیشنهاد می‌دهم برای سال‌های آینده، توجه به موضوعات خط‌شکن، ویژه و نوآورانه بیشتر بشود. انتقادی که می‌شد به عموم کارهای امسال کرد، این است که بیشترشان در موضوعاتی بودند که خیلی مسائل خطرپذیر و نوآورانه‌ای نبودند. اگر ما توجه به موضوعات خط‌شکن و به‌روز را بیشتر کنیم، می‌توانیم موفق‌تر باشیم.

«نماهنگ» حاصل ترکیب چند رشته و هنر مختلف است یعنی شعر، موسیقی، آهنگ‌سازی، تصویربرداری، کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی، حاصل همه این هنر‌ها می‌شود چیزی به نام «نماهنگ» که در واقع، ضریب تأثیر هنر‌های دیگر را بیشتر می‌کند. یعنی شعر را مؤثرتر می‌کند، موسیقی را مؤثرتر می‌کند، در واقع، به همه هنر‌هایی که در دل خودش دارد، یک ارزش افزوده می‌دهد. از این جهت «نماهنگ» با توجه به این تأثیری که می‌تواند در فضای جامعه داشته باشد و همچنین با در نظر گرفتن تصویری بودنش و جذابیت آن برای مخاطب، جزو مهم‌ترین بخش‌های جشنواره عمار است.

● **محسن مقصودی: داور بخش «برنامه تلویزیونی»**

توجه و تمرکز جشنواره عمار بر تولیدات تلویزیونی، کار خوب و قابل ستایشی است، اما جشنواره عمار هنوز به سمت نقد کارهای ضعیف نرفته و به‌نظرم در نشست‌های جنبی می‌تواند چنین امری را در دستور کار خودش قرار دهد، اما بدون شک یکی از آن چیزهایی که می‌تواند صداوسیما ما را روبه جلو ببرد و نقاط ضعفش را اصلاح کند، تقدیر از کارهای خیلی خوب است.

داوری آثار امسال، برای من سخت بود و همه کارهایی را که نامزد شدند، شایسته فانوس می‌دانم و من به شوخی به دوستان می‌گفتم که می‌خواهم استعفا بدهم یعنی اینقدر برای من سخت بود. در انتخاب آثار، پژوهش، خلاقیت و اتاق فکر داشتن برای من مهم بود و این که برای مخاطب ارزش قائل شسوند و برای آن چیزی که روی آنتن می‌خواهد، برود وقت بگذارند و نگویند همین الان فکر کنیم، فردا بسازیم و به‌نظرم آثاری که نامزد شدند همه‌شان صاحب حرف و صاحب فکر بودند.

فانوس

ویژه‌نامه روزانه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
ضمیمه روزنامه جوان

سر دبیر: عارف جعفری

تحریریه: محمد رضا پور صفار، مجتبی مالکی، محمود خدایی‌اشی، مریم قربانی، حمیدرضا محمدی، قاسم شفیعی، ناصر شفیعی
با تشکر از رضا کاظم‌لو، مجید حیدری
نظرات خود را از طریق آی دی fanoos@ در پیام‌سان‌های «بله» و «پتا» با ما در میان بگذارید.

بخش نقد و مقالات

بخش پویانمایی

بخش فیلم‌نامه

بخش برنامه تلویزیونی

بخش فیلم ما

بخش نماهنگ